

مشارکت شهروندان در مسیر توسعه و بالندگی شهر

تمایل به شهرنشین شدن جمعیت و افزایش جمعیت شهرها طی سال های اخیر، مسایل و چالش هایی همچون کمبود واحدهای مسکونی، بالا بودن آمار بیکاری، ناهنجاری های اقتصادی، فقر و ... را موجب شده است. به تبع این موضوع، تقاضا برای خدمات شهری و کالاهای عمومی نیز رو به فزونی گذاشته است. در نتیجه بخش بزرگی از منابع مالی بویژه در شهرداری های کلانشهرها، صرف توسعه زیرساخت های شهری می گردد. در چنین شرایطی، واکنش مناسب مدیریت شهری در مواجهه با رشد مضاعف فشارهای ناشی از تقاضای خدمات عمومی، جستجوی منابع درآمدی جایگزین، با جلب مشارکت های مردمی می باشد و بدیهی است رسیدن به این هدف، مستلزم گسترش اخلاق و فرهنگ مشارکت در میان شهروندان است.

آنچه مسلم است، آنکه معمولا شهرداری ها به دلیل ماهیت خودکفا بودن شان، قادر به تامین منابع مالی لازم برای پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای روزافزون شهروندان نیستند. به این دلیل از یک سو باید منابع درآمدی متنوع و پایدار را شناسایی نمایند و از سوی دیگر مشارکت های شهروندان را در این مهم جلب کنند.

تمایل به شهرنشین شدن جمعیت و افزایش جمعیت شهرها طی سال های اخیر، مسایل و چالش هایی همچون کمبود واحدهای مسکونی، بالا بودن آمار بیکاری، ناهنجاری های اقتصادی، فقر و ... را موجب شده است. به تبع این موضوع، تقاضا برای خدمات شهری و کالاهای عمومی نیز رو به فزونی گذاشته است. در نتیجه بخش بزرگی از منابع مالی بویژه در شهرداری های کلانشهرها، صرف توسعه زیرساخت های شهری می گردد. در چنین شرایطی، واکنش مناسب مدیریت شهری در مواجهه با رشد مضاعف فشارهای ناشی از تقاضای خدمات عمومی، جستجوی منابع درآمدی جایگزین، با جلب مشارکت های مردمی می باشد و بدیهی است رسیدن به این هدف، مستلزم گسترش اخلاق و فرهنگ مشارکت در میان شهروندان است.

آنچه مسلم است، آنکه معمولا شهرداری ها به دلیل ماهیت خودکفا بودن شان، قادر به تامین منابع مالی لازم برای پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای روزافزون شهروندان نیستند. به این دلیل از یک سو باید منابع درآمدی متنوع و پایدار را شناسایی نمایند و از سوی دیگر مشارکت های شهروندان را در این مهم جلب کنند.

در جوامع مدرن، شهروندان، صاحبان و ذینفعان اصلی خدمات و کالاهای عمومی به شمار می روند و فرهنگ مشارکت پیش از اینکه یک فعالیت مالی باشد، یک هنجار فرهنگی است. از این رو تمامی آن ها باید در پرداخت هزینه های شهری، مشارکت پویا

و فعالی داشته باشند. بنابراین افزایش آگاهی، آموزش و ایجاد انگیزه در میان شهروندان نسبت به مسائل و مشکلات شهری و آگاهی از وظایف مدیریت شهری، می تواند تغییر نگرش و در نتیجه تغییر رفتار و فرهنگ و اقدام به مشارکت را در پی داشته باشد.

در جوامع امروزی، مشارکت، بدون مفهوم شهروندی، بی معنا خواهد بود و معنایی بیش از عضویت در یک جامعه را پیدا کرده است. لذا کسب مهارت های شهروندی یا به عبارت دیگر تغییر نقش از یک شهرنشین به یک شهروند موثر و کارآمد بی شک مستلزم آشنایی با حقوق و تکالیف، نگرش های قوام یافته نسبت به ارزش های اجتماعی و فرهنگ سازی در خصوص رفتارهای مدنی خواهد بود.

در حقیقت شهروند معرف یک موقعیت اجتماعی برای فرد می باشد که به واسطه حقوق، اختیارات و نیز وظایفی که به آن مرتبط است تعریف می شود و از سویی مبین وفاداری فرد به نظام شهری و اجتماعی است. بنابراین پرداخت عوارض شهری پیش از آنکه یک فعالیت مالی باشد، یک هنجار فرهنگی است.

بدیهی است هر چه توان مالی شهرداری ها بالاتر باشد، خدمات بیشتر و مطلوب تری می تواند به شهر و شهروندان ارائه نماید. لذا در سایه این تعاملات است که می توان طعم توسعه و تحقق شعار اقتصاد مقاومتی راچشید و شهر را به جایگاه مطلوب و آرمانی رساند.

